

جهانی شدن و تاثیر آن بر فقر

نویسندگان:
زینب سادات امینی



سرشناسه : امینی، زینب سادات، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : جهانی شدن و تاثیر آن بر فقر/ زینب سادات امینی

مشخصات نشر : تهران : انتشارات حانون، ۱۳۹۵.

وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر

مشخصات ظاهری : ۱۴۶ ص.

موضوع : جهانی شدن -- جنبه های اقتصادی -- فقر -- کشورهای در حال رشد

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۳-۴۸-۴

رده بندی کتا: ۵۰: ۹۵: ۸۳ ج ۹۱۳۱۸/الف

رده بندی دیویی: ۱۰۶/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۶۱۰۴



جهانی شدن و تاثیر آن بر فقر

ناشر : انتشارات حانون

مؤلف: زینب سادات امینی

چاپ متن : چاپ برگ

صحافی : برگ

نوبت چاپ : اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵

تیراژ : ۱۰۰۰

قیمت : ۱۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۹	پیش در آمد
۱۱	مقدمه
۱۲	تعریف مفاهیم
۱۳	فصل اول: مبانی نظری جهانی شدن و فقر
۱۵	جهانی شدن چیست؟
۱۹	ابعاد جهانی شدن
۲۱	سه نظریه و جهانی شدن
۲۵	فقر و ابعاد آن
۳۱	فصل دوم: جهانی شدن و فقر در بستر تاریخی
۳۳	تاریخچه جهانی شدن
۳۶	نظریه نظم نوین جهانی
۴۰	امواج جهانی شدن
۴۳	جهانی شدن و احیاء ناسیونالیسم
۴۶	جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر
۵۱	نقش نهادهای اقتصادی بین المللی در کاهش فقر
۵۸	شرکت های چند ملیتی
۶۳	فصل سوم: ابزارهای جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر
۶۵	سیاست و تجارت آزاد
۷۲	جریان سرمایه
۷۵	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
۸۰	مهاجرت و جهانی شدن
۸۵	فصل چهارم: جهانی شدن و کشورهای در حال توسعه
۸۷	ساختار داخلی کشورهای در حال توسعه

۹۳	رقابت اقتصادی و جهانی شدن
۹۶	جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه
۹۹	آموزش و توسعه منابع انسانی
۱۰۳	تجارب کشورهای در حال توسعه در فرآیند جهانی شدن
۱۰۳	چین
۱۰۷	هند
۱۰۹	برزیل
۱۱۱	نگرانی کشورهای در حال توسعه از فرآیند جهانی شدن
۱۱۷	فصل پنجم: عوامل غیراقتصادی مؤثر بر کاهش فقر در فرآیند جهانی شدن
۱۱۹	تحول نقش اقتصادی دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه
۱۲۳	جهانی شدن و فرهنگ
۱۲۷	جهانی شدن و محیط زیست
۱۳۳	فصل ششم: نتیجه‌گیری
۱۳۵	نتیجه‌گیری
۱۴۲	فهرست منابع

پیش در آمد

ماهیت جهانی شدن حکایت از آن دارد که پدیده‌ها و مظاهری غیرقابل اجتناب در دنیای کتونی، در سایه اطلاعات و فن‌آوری‌های رسانه‌ای و گسترش روز افزون ارتباطات درجه همبستگی جهانیان را افزایش داده است.

جهانی شدن میزان همگرایی‌ها را در جهان به طور گسترده افزایش داده و امکان رقابت را افزون‌تر نموده است. جهان شدن در عین یکپارچگی از طریق دسترسی آسان به اطلاعات و مبادلات فرهنگی، نگرانی‌ها را هم در خصوص ایجاد واگرایی و گسترش شکاف میان کشورهای فقیر و غنی رواج داده است.

مانند هر فرآیندی جهانی شدن هم موافقین و مخالفینی دارد. مخالفین بر این عقیده‌اند جهانی شدن فقیرتر شدن جوامع فقیر را شتاب بیستری می‌دهد و کارکرد توسعه‌ای جهانی شدن توهمی بیش نیست. امروزه گفتگو در مورد فقر و ضرورت کاهش آن به گفتمانی رایج و بین‌المللی تبدیل شده است. شناخت مکانیزم‌های تولید فقر و استفاده از ابزارهای علمی و تکنولوژیکی در مبارزه با این پدیده اهمیتی اساسی پیدا کرده است.

اگرچه مهم‌ترین دگرگونی نیمه دوم قرن بیستم از نگاه کنونی، ان اقتصاد «جهانی شدن» می‌باشد، اما مبارزه با فقر نیز دغدغه اصلی نهادهای بین‌المللی و بسیاری از کشورها می‌باشد. در این پژوهش به عوامل اقتصادی و غیراقتصادی موثر بر کاهش فقر در کشورهای جهان سوم پرداخته شده است و در این راستا دو گروه از کشورها با دو تجربه متفاوت مورد توجه قرار گرفته است: گروه اول، کشورهای آمریکای لاتین که بدون توجه به ساختارهای داخلی و اصلاح نهادهای بومی به پروسه جهانی شدن اقتصاد پیوستند و چیزی جز بحران‌های مالی و فشارهای اقتصادی برای مردمشان به ارمغان نیاوردند و گروه دوم، کشورهای جنوب شرق آسیا و به خصوص چین که آگاهانه و گزیده‌تر عمل نموده و توانستند بسیار موفق عمل نمایند. بنابراین در عصر جهانی شدن اقتصاد چالش اصلی کشورهای در حال توسعه، پدیده فقر و کاهش آن می‌باشد.

مقدمه

جهانی شدن رونمی است که اکنون ارتباط نزدیکی با جوامع بشری دارد. و به زیرساخت‌های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی کشورها تسری یافته است و از سوی دیگر «فقر» نیز پدیده‌ای جهانی و تاریخی است که از سوی شکل‌گیری نخستین اجتماعات بشری همواره گریبانگیر بخشی از مردم در جوامع مختلف بوده است. امروزه به رغم آن‌که قرن‌های متمادی از عمر تمدن‌های بشری می‌گذرد باز هم پدیده «فقر» من‌گیر حدود یک پنجم از جمعیت کره زمین می‌باشد و جامعه انسانی در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشری نتوانسته است به طور کامل بر «فقر» فائق آید. بنابراین هدف اصلی این تحقیق، درک ارتباط بین دو پدیده «جهانی شدن» و «فقر» می‌باشد.

از آن‌جا که فرآیند جهانی شدن امروزه به حقیقتی نکارناپذیر تبدیل شده است، بنابراین پی بردن به «تأثیرات جهانی شدن بر پدیده فقر» از این بعد دالرا اهمیت می‌باشد. از سوی دیگر با عنایت بر این‌که سازمان ملل متحد سال‌های بین ۱۹۹۷ - ۲۰۰۶ به عنوان «دهه بین‌المللی ریشه‌کنی فقر» اعلام نموده است، اهمیت این موضوع چهره‌ای دینر به خود می‌گیرد.

همان‌گونه که در نشست سازمان ملل متحد در کپنهاگ (۱۹۹۵) پیرامین مقوله توسعه اجتماعی عنوان شد، فقر جهانی در سال‌های اخیر دو بار مورد تعریف قرار گرفته است. صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی تصریح نموده‌اند که شکاف موجود میان ثروتمندان و فقرا طی روندی خاص در حال کاهش است، اما سازمان ملل متحد و نهادهای مرتبط با آن تأکید دارند که شکاف موجود روز به روز در حال گسترش می‌باشد.

از طرف دیگر هیچ صلح پایداری در صحنه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نمی‌تواند بدون توسعه پایدار و از طریق ریشه‌کن کردن ناامیدی، فقر و جهل حاصل گردد.

همان‌طوری که «فدریکو ماریو» مدیرکل یونسکو در اجلاس کپنهاگ (۱۹۹۵) اعلام می‌کند، ریشه‌کنی فقر یک واجب اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی برای بشر است. به نظر می‌رسد که تحقیق در این زمینه دارای اهمیت قابل توجهی برای مردم، تصمیم‌گیرندگان و محققین باشد تا با نگاهی به وضعیت فقر در جهان و ارتباط آن با فرآیند جهانی شدن، از تجارت بین‌المللی در مبارزه با فقر بهره‌گیرند.

در نتیجه فرآیند جهانی شدن و ادغام در اقتصاد جهانی از طریق دسترسی آسان به تکنولوژی و فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی، آزادسازی تجاری و تحرک جریان سرمایه به‌خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همراه با گسترش و توسعه منابع انسانی زمینه مناسب برای رشد و توسعه در کشورهای در حال توسعه وجود آمده است که مجموعه این عوامل می‌تواند روند کاهش فقر را در این کشورها تسریع نماید.

نهادها و سازمان‌های مالی بین‌المللی چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و نهادهای اقتصادی وابسته به سازمان ملل و صندوق جهانی پول می‌توانند بر سیاست‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه تأثیر گذارنده را به کاهش فقر در این مناطق کمک نمایند.

تعریف مفاهیم

رشد اقتصادی: رشد اقتصادی دلالت بر افزایش تولید یا درآمد سرانه ملی دارد. اگر تولید کالاها و خدمات، به هر وسیله ممکن در کشور افزایش یابد، می‌تواند این افزایش را رشد اقتصادی تلقی کرد.

توسعه اقتصادی: توسعه اقتصادی، متضمن چیزی بیشتر از رشد اقتصادی است. توسعه اقتصادی، علاوه بر افزایش درآمد سرانه به معنای تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی می‌باشد. یکی از عناصر اصلی توسعه اقتصادی آن است که مردم باید مشارکت‌کنندگان اصلی در فرایند تغییرات ساختاری باشند که این معنای مشارکت در استفاده از منابع حاصل از تولید آن منافع است. اما هیچ توسعه‌ای بدون رشد اقتصادی میسر نخواهد شد. توسعه باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای اساسی افراد جامعه به سوی وضعیت مادی و معنوی «بهتر» سوق پیدا کرده است.